

تحلیل جرم سازمان یافته از دریچه فقه^۱

حمید سلیمانی^۲

عباسعلی سلطانی^۳

محمدتقی فخلعی^۴

چکیده

جرم سازمان یافته، عمل مجرمانه گروهی بیش از دو نفر است که برای مدت زمان قابل ملاحظه‌ای استمرار یافته و به صورت هدفمند و از سرتبانی برای کسب منافع مادی صورت می‌گیرد. در رهیافت فقهی، این پرسش‌ها مطرح است که آیا موضوع جرم سازمان یافته با همه عناصر آن در منابع فقهی قابل جستجو است؟ آیا در دیدگاه‌های فقهی، سازمان یافتگی جرم در مجازات تأثیر دارد؟ آیا افساد فی الارض ملاک و اثر جرم سازمان یافته است؟ در این پژوهش، به روش تحلیلی - توصیفی ضمن بررسی مفهوم و عناصر جرم سازمان یافته، به سؤال‌های مطرح شده پاسخ داده و مشخص می‌گردد گرچه سازمان یافتگی جرم در معنای جدید آن در منابع فقهی قابل جستجو نیست، ولی رد پای آن را می‌توان در برخی پدیده‌های مجرمانه صدر اسلام و نیز برخی عناوین مجرمانه فقهی یافت. بنابر دیدگاه فقهی، سازمان یافتگی

تحلیل
جرم سازمان یافته
از دریچه فقه
۹

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۰

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، رایانامه: h.soleymani@mail.um.ac.ir

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، (نویسنده مسئول): رایانامه: soltani@um.ac.ir

۴. استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، رایانامه: fakhlai@um.ac.ir

و تشکیلاتی بودن، موجب تشدید مجازات و یا حتی تغییر عنوان جرم می‌شود. در جرائم سازمان‌یافته، افساد فی الارض به مثابه ملاک عمل مجرمانه، شدیدتر به چشم می‌خورد و لازم است مجازات جرم سازمان‌یافته در سایه این ملاک تعیین شود.

کلید واژه‌ها: جرم سازمان‌یافته، جرم تشکیلاتی، توطئه افک، بغی، محاربه، افساد فی الارض.

مقدمه

بزه کاری به‌عنوان پدیده نابهنجار ضداجتماعی در جامعه انسانی همیشه وجود داشته و مبارزه با آن نیز از دغدغه‌های مهم دولت‌ها بوده و هست. البته، اشکال جرم با پیشرفت فناوری و تحوّل جوامع، متحوّل گردیده و از گونه بسیط و عادی، به پیچیده، تغییر شکل داده است و بزه کاری‌های خطرناک در حوزه داخلی و بین‌المللی، بیشتر به‌صورت سازمان‌یافته واقع می‌شود. امروزه جرائم سازمان‌یافته بدون استثنا همه دولت‌ها را درگیر خودکرده و از بزرگ‌ترین تهدیدها در حوزه اقتصادی، اجتماعی و غیره به‌شمار می‌رود. این شکل از جرم، به‌خاطر عناصر خاص خود به‌مراتب از جرم عادی و فردی خطرناک‌تر است؛ چراکه جرم سازمان‌یافته، به‌صورت گروهی هدفمند و برنامه‌ریزی شده و به‌طور مستمر فعالیت می‌شود، به‌طوری که تشکیلات آن، گسترده و پیچیده است. جرم سازمان‌یافته به‌تازگی در حقوق کیفری داخلی وارد شده و برای نخستین بار از طریق موافقت‌نامه همکاری‌های امنیتی انتظامی و مبارزه با مواد مخدر بین کشور جمهوری اسلامی ایران و کشور یونان، مصوب ۱۳۷۹ وارد ادبیات حقوقی ایران گردیده است (ذاقلی، ۱۳۹۴، ۶۱). در حقوق داخلی، با وجود قوانین و مقررات کیفری عام و خاص و متفرقه، تعریف صریحی از جرم سازمان‌یافته ارائه نشده است (جوانمرد، ۱۳۹۶، ۱۸۰). بدیهی است که جرم سازمان‌یافته در فقه سابقه‌ای نداشته باشد، ولی این اصطلاح برای نخستین بار به‌وسیله موسوی اردبیلی از فقهای معاصر در کتاب «فقه الحدود و التعزیرات» با عنوان «الجرائم بشکل جماعی و تنظیمی» مطرح گردید و سازمان‌یافتگی جرم را مدنظر قرار داد. البته عدم طرح مستقیم اصطلاح جرم سازمان‌یافته در فقه به معنای آن نیست که ریشه‌ها و نشانه‌های آن را نتوانیم بیابیم و یا

جستارهای

فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی نهم

زمستان ۱۳۹۶

۱۰

در تحلیل ماهیت و آثار کیفری این دسته از جرائم عاجز بمانیم. با این توصیف، در این پژوهش برآنیم تا ضمن بررسی ماهیت جرم سازمان یافته، عناصر جرم سازمان یافته در منابع فقهی و تأثیر سازمان یافتگی و تشکیلاتی بودن در جرم و مجازات بر اساس نظریات فقهی و دستیابی به ملاک و مناط جرم سازمان یافته را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

۱. ماهیت جرم سازمان یافته و عناصر آن

«جرم سازمان یافته»، معادل فارسی اصطلاح «Organized Crime» در زبان انگلیسی است. «جرم سازمان یافته» مرگب از دو واژه «جرم» و «سازمان یافته» است که واژه «سازمان یافته» به صورت اسم مفعول به کار رفته است و در مقابل بسیط و ساده (عادی) است که به عنوان صفت جرم به شمار می رود و در صدد تبیین و توصیف جرم است. در متون علمی از «جرم سازمان یافته» تعاریف مختلف و زیادی ارائه شده است. یکی از جرم‌شناسان می گوید: «جرم سازمان یافته جرمی است که شاخص تدارک و ارتکاب آن، تشکیلاتی روشنند است که اغلب برای مباشران آن امکانات معاش فراهم می کند» (بوریکان، ۱۳۷۶، ۳۱۶). این تعریف، با اینکه با قید «تشکیلاتی روشنند»، به نظر برخی، از اوصاف اساسی جرم سازمان یافته را مورد ملاحظه قرار داده است، ولی در خصوص انگیزه جرم سازمان یافته؛ یعنی تحصیل مال به طور نامحدود سکوت کرده است (سلیمی، ۱۳۹۱، ۳۲). به علاوه، در مورد استمرار اقدامات مجرمانه اعضا اشاره ای نکرده است. بنابراین، تعریف جامع و مانعی به شمار نمی رود. برخی از محققان خارجی، تعریف کوتاهی آورده اند: «جرم سازمان یافته، فعالیت مجرمانه مستمری است که با هماهنگی انجام می گیرد (معظمی، شهلا و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۰۹) به نظر می رسد به این تعریف چندین ایراد وارد است: اولاً؛ گروهی بودن جرم که از عناصر اساسی سازمان یافتگی جرم است، به طور مشخص ذکر نشده است. هر چند با واژه «هماهنگی» دلالت بر چند نفر می کند، ولی باید تعداد افراد دقیقاً معلوم گردد و به طور مطلق بیان نشود. ثانیاً؛ انگیزه تحصیل منافع مالی از فعالیت مجرمانه مشخص نیست و هرگونه فعالیت مجرمانه ای اعم از انگیزه مالی و یا سیاسی را شامل می شود.

ثالثاً؛ دایره تعریف، وسیع و گسترده است که شامل دیگر جرائم از جمله معاونت در جرم، مشارکت در جرم و جرائم گروهی و بانندی نیز می‌شود. اما نقطه قوت این تعریف، ذکر استمرار فعالیت مجرمانه در جرم سازمان یافته است که به عنوان مقوم جرم سازمان یافته قلمداد شده است. یکی از حقوق دانان داخلی می‌گوید: «جرم سازمان یافته اشاره به اعمال مجرمانه ارتكابی توسط گروه‌هایی از اشخاص دارد که به شکل منسجم و متشکل گرد هم آمده‌اند و معمولاً قصد آن دارند که از اعمال خود فواید مالی کسب نمایند» (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۷، ۱۹۱). این تعریف هرچند از نظر تعداد مرتکبان اعمال مجرمانه و تبانی افراد با یکدیگر سکوت کرده، ولی به نظر می‌رسد با توجه به الفاظ «منسجم» و «متشکل» در تعریف، این اوصاف قابل جستجو باشد. در تعریف یادشده باینکه تحصیل منافع مالی، به عنوان یکی از مقومات جرم سازمان یافته ملاحظه شده، ولی به استمرار فعالیت مجرمانه به عنوان مقوم، اشاره‌ای نکرده است که به عنوان مؤلفه اساسی جرم سازمان یافته به شمار می‌رود. سازمان بین‌المللی پلیس جنایی (اینترپل) به عنوان یک نهاد بین‌المللی در تعریف «جرم سازمان یافته» آورده است: «جرم سازمان یافته به فعالیت‌های غیرقانونی گروهی مجرمانه با ساختار یکپارچه و متحد گفته می‌شود که هدف اساسی آن‌ها به دست آوردن پول از طریق فعالیت غیرقانونی است و غالباً با ایجاد ترس و فساد ادامه حیات می‌دهند» (سیادت و دیگران، ۱۳۹۵، ۵۶). در این تعریف، با ذکر «گروهی مجرمانه با ساختار یکپارچه و متحد» به نظر می‌رسد بیشتر عناصر سازمان یافته مجرمانه از جمله وجود تشکیلات بیش از دو نفر و تبانی و برنامه‌ریزی بین اعضا قابل جستجو باشد، ولی به استمرار فعالیت مجرمانه اشاره‌ای نشده است و انگیزه اصلی و غایی در جرم سازمان یافته، کسب منافع مالی بیان شده است.

همان‌طور که اشاره شد، کنوانسیون پالمو که از اساسی‌ترین اسناد بین‌المللی به شمار می‌رود و تعریف آن از جرم سازمان یافته به عنوان تعریف رسمی و بین‌المللی برشمرده می‌شود، جرم سازمان یافته را در قالب گروه مجرمانه سازمان یافته، چنین تعریف نموده است: «گروه جنایی سازمان یافته، یک گروه واجد ساختار تشکیلاتی مرکب از سه نفر یا بیشتر است که برای مدت‌زمانی موجودیت می‌یابد و باهدف ارتکاب یک یا چند

جنایت شدید یا جرائم مندرج در این کنوانسیون به منظور تحصیل مستقیم یا غیر مستقیم یک نفع مالی یا نفع مادی دیگر به طور هماهنگ فعالیت می کند» (سلیمی، ۱۳۹۱، ۳۵). در تعریف یادشده، وجود گروه بیش از دو نفر، تبانی، استمرار فعالیت مجرمانه و انگیزه مالی در جرم ارتكابی به عنوان مقومات و عناصر جرم سازمان یافته قلمداد شده است. لازم به ذکر است، منظور از «نفع مادی دیگر» که بعد از نفع مالی آمده است، تأکید بر توسعه این مفهوم بوده، به طوری که منافع دیگری از جمله لذت جنسی را نیز شامل می گردد (سلیمی، ۱۳۹۱، ۳۹) و شامل انگیزه سیاسی نمی شود. بنابراین، به نظر می رسد تعریف نامبرده، جامع و مانع باشد.

بامطالعه و بررسی این تعاریف و تعاریف متعدد دیگری که از جرم سازمان یافته وجود دارد (اسعدی، ۱۳۸۶، ۳۳؛ بوریگان، ۱۳۷۷، ۳۱۶؛ شمس ناتری، ۱۳۸۳، ۱۱۱؛ معظمی، ۱۳۸۷، ۲۹؛ جوانمرد، ۱۳۹۶، ۱۴۰؛ طغرانگار، ۱۳۸۰، ۶) چند نکته قابل ملاحظه و بررسی است:

۱. سازمان یافتگی در جرم، به عنوان صفت جرم است که خود دارای عناصر خاصی است و چنانچه آن عناصر در جرم قابل جستجو باشد، به عنوان جرم سازمان یافته قلمداد می شود.

۲. در بیشتر تعریف ها، از جمله اسناد بین المللی، استمرار فعالیت مجرمانه به عنوان مقوم جرم سازمان یافته آمده است، در حالی که در برخی تعریف ها چنین ملاکی قید نشده است. به نظر می رسد اگر استمرار زمانی وجود نداشته باشد، سازمان یافتگی جرم به معنای واقعی محقق نمی شود و بلکه می توان گفت، جرم به صورت گروهی یا بانندی است و با یک بار انجام تمام می شود. در حالی که این گونه جرائم، باید در دوره قابل توجهی ادامه داشته باشند.

۳. تحصیل منافع، به عنوان انگیزه جرم سازمان یافته، قدر مشترک همه تعریف ها است و قلمرو موضوعی جرم سازمان یافته، فعالیت های اقتصادی است. در برخی از تعریف ها قلمرو جرم سازمان یافته فراتر از تحصیل منفعت رفته و انگیزه سیاسی (قدرت سیاسی و براندازی حکومت) هم آمده است که باید گفت اولاً، برخی از حقوق دانان و جرم شناسان قائل به دخالت این انگیزه در جرم سازمان یافته نیستند (شمس ناتری،

۱۳۸۳، ۱۱۹)؛ همان‌طور که در اسناد بین‌المللی، انگیزه غایی، کسب منفعت آمده است. ثانیاً، براساس این قلمرو، جرائم تروریستی که جرائمی سیاسی هستند در زمره جرائم سازمان‌یافته قرار می‌گیرند، درحالی‌که این دو از چند جهت باهم تفاوت دارند. در جرائم سازمان‌یافته، انگیزه ذاتی آن مالی است، ولی انگیزه در جرائم تروریستی، براندازی حکومت و حاکم شدن بر حکومت است. علاوه بر این، تروریسم همواره با خشونت و اعمال خراب‌کارانه همراه است، ولی در جرائم سازمان‌یافته گاهی با این اعمال است (جوآنمرد، ۱۳۹۶، ۱/۱۹۰؛ سلیمی، ۱۳۹۱، ۵۲-۵۰). اگر قائل به این هدف در جرم سازمان‌یافته نیز بشویم، باید بگوییم این از فرعی‌ترین اهداف به‌شمار می‌رود.

۴. تقریباً در همه تعریف‌ها، گروهی بودن جرم و تبانی و برنامه‌ریزی بین اعضا (تشکیلاتی بودن) مشترک است.

بنابراین، با مجموع تعریف‌ها و تحلیل‌های انجام گرفته و به‌طور ویژه با الهام از تعریف جرم سازمان‌یافته در اسناد بین‌المللی می‌توان تعریف زیر را ارائه نمود که به نظر می‌رسد بتواند به‌عنوان ملاکی برای تحلیل عناصر و ارکان جرم سازمان‌یافته در فقه باشد:

«عمل مجرمانه گروهی بیش از دو نفر است که برای مدت‌زمان قابل ملاحظه‌ای استمرار یافته و به‌صورت هدفمند و از سر تبانی در جهت کسب منافع مادی صورت می‌گیرد».

باملاحظه تعریف یادشده، عناصر جرم سازمان‌یافته عبارت‌اند از: گروهی بودن جرم، تبانی بین اعضا، استمرار فعالیت مجرمانه و انگیزه مالی. عنصر آخر در کنار علم و عمدی بودن که در جرائم سازمان‌یافته وجود دارد، به‌عنوان عنصر معنوی تلقی می‌شود. عناصر دیگری چون: سلسله‌مراتب، تقسیم وظایف، توسل به خشونت و فساد و غیره در جرائم سازمان‌یافته وجود دارد که از مقومات به‌شمار نمی‌روند.

در بین فقهای معاصر، موسوی اردبیلی در مبحث جرم سرقت، ضمن تقسیم‌بندی جرائم به عادی و سازمان‌یافته، به جرائم سازمان‌یافته نیز توجه نموده است. از نگاه ایشان جرائم گروهی و سازمان‌یافته به جرائمی گفته می‌شود که هر فرد از افراد گروه، وظیفه

خاصی را برحسب تخصص و زیرکی اش بر عهده می‌گیرد، چنان که در شبکه‌های تروریستی و سازمان‌های جاسوسی وجود دارد و در حقیقت این شبکه به منزله زنجیره عظیمی است که تک‌تک اعضای آن به منزله یک حلقه از آن زنجیره است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۹، ۳/۵۳). به نظر می‌رسد، در این تعریف هرچند به برخی از عناصر جرم سازمان‌یافته اشاره شده، ولی جرم سازمان‌یافته به‌طور دقیق تبیین نشده است. به‌علاوه، با ذکر «شبکه‌های تروریستی» و «سازمان‌های جاسوسی»، انگیزه جرم سازمان‌یافته را کسب قدرت سیاسی قلمداد کرده است که چنان که گفته شد، خود محل نقد و بررسی است. همچنین به ادامه فعالیت مجرمانه اشاره‌ای نکرده است.

۲. نشانه‌های جرم سازمان‌یافته در منابع فقهی

جرم سازمان‌یافته هرچند عنوان حادثی است که به‌طور مشخص و معین در منابع فقهی بیان نشده است، ولی شاید بتوان با بررسی و جستجو در برخی از حوادث تاریخی صدر اسلام و نیز عناوین مجرمانه فقهی ردّیابی از آن را پیدا نمود.

۱-۲. حوادث تاریخی صدر اسلام

یکی از موضوعات قابل بررسی که شاید بتوان عناصری از جرم سازمان‌یافته را در آن ریشه‌یابی کرد، برخی از حوادث تاریخی صدر اسلام؛ یعنی توطئه افک، توطئه مسجد ضرار و جریان ارتداد در دوره پیامبر ﷺ است. سزاوار است به بررسی این حوادث روی آوریم و نشانه‌های جرم سازمان‌یافته را در آنها پی‌جویی کنیم.

۱-۲-۱. توطئه افک

توطئه افک در آیات شریفه قرآن از آیه ۱۱ تا ۲۶ سوره نور مطرح شده و محور بحث به‌طور خاص در آیات ۱۱ و ۱۹ است. رویداد افک، یکی از موضوعات مهم قرآن و تاریخ اسلام است که در دوره پیامبر ﷺ با توطئه منافقان پیوند خورده است. شأن نزول آیه افک، بین شیعه و اهل سنت اختلافی است (زمخشری، ۱۳۸۵، ۳/۵۲؛ طباطبایی، بی تا، ۱۵/۸۹). در این ماجرا، یکی از همسران پیامبر ﷺ به‌وسیله گروهی از منافقان، با سردستگی و رهبری «عبدالله بن ابی سلول» مورد دروغ و تهمت ناروا قرار گرفت و هدف این توطئه بزرگ، بر اساس دیدگاه مفسران شیعه و سنی، تخریب و

تضعیف جایگاه پیامبر ﷺ و ایجاد فتنه در جامعه و در نهایت تضعیف حکومت نبوی بود. بر این اساس، آیات مبارکه افک افرادی را مذمت می کند که افعال قبیح و زشت را در بین مسلمانان گسترش می دهند تا بدین سبب دین اسلام و اعتبار مسلمانان از بین برود. با بررسی آیات و دیدگاه مفسران (نحاس، ۱۴۰۹، ۳/۳۹۹ و ۵۰۷؛ طباطبایی، بی تا، ۱۵/۹۳؛ تیمی البکری، بی تا، ۲۳/۱۸۲-۱۸۳؛ زمخشری، ۱۳۸۵، ۳/۵۲ و ۳۹۹) نکاتی چند قابل توجه است:

نخست، مقصود از افک، دروغ و تهمت ناروایی بود که گروهی از منافقان، برای تضعیف نمودن جایگاه پیامبر ﷺ و به دنبال آن، تضعیف حکومت و جامعه نبوی جعل کرده بودند.

دوم، کسانی که افک را ضد پیامبر ﷺ طراحی کرده بودند، یک تشکیلات و گروه متحد، منسجم، به هم وابسته و تباری کننده بودند که در قرآن به «عُصْبَه» تعبیر شده و بیانگر آن است که جریان نامبرده هدفمندانه و باهم فکری، طراحی و برنامه ریزی شده عمل شده و رفتار او از روی غفلت نبوده است.

سوم، مقصود آیه «وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ»، عبدالله بن ابی سلول بوده که رهبری و سرکردگی توطئه را بر عهده داشته است. نقش تشکیلات که دارای رهبری و شورای مرکزی بوده بیانگر پیچیدگی و بزرگی این رویداد است.

چهارم، آیه ۱۹ سوره نور، به وضوح اشاعه فحشا را ناروا دانسته و به آن وعده عذاب داده و این بیانگر حرمت و جرم آمیز بودن آن است.

همان طور که گفته شد، مهم ترین عنصر مادی سازمان یافتگی جرم، گروهی بودن عمل مجرمانه است. در توطئه افک با قید «عصبه» رد پای این عنصر را می توان شناسایی کرد.

تباری بین گروه، از دیگر عناصر مادی جرم سازمان یافته است که باز در توطئه افک معلوم است؛ چرا که در یک برنامه ریزی گروهی و به صورت هدفمند و تباری با یکدیگر، زمینه ارتکاب جرم را فراهم کردند و به این دروغ و بهتان دست زدند و آن را گسترش دادند تا قداست رسول خدا ﷺ را لگه دار نمایند و حکومت ایشان را تضعیف و براندازی نمایند.

از دیگر عناصر مادی جرم سازمان یافته، استمرار فعالیت مجرمانه است. همان طور که پیش تر گفته شد، بیشتر افراد، این عنصر را از مقومات سازمان یافتگی جرم قلمداد می کنند. بر این اساس باید گفت: توطئه افک که توسط گروهی از افراد سازماندهی شده بود و تنها یک واقعه بود و تداوم نداشت، فاقد این عنصر است. عنصر معنوی جرم سازمان یافته، علاوه بر آگاهی و عمدی بودن عمل مجرمانه، وجود انگیزه و داعی تحصیل منافع مادی است که در توطئه افک این مطلب روشن است، ولی انگیزه آن، تضعیف اجتماعی سیاسی بود نه کسب منافع مالی. بنابراین، اگرچه در این توطئه عناصری چون گروهی بودن و تبانی و همچنین قدرت مرکزی به رهبری عبدالله بن ابی سلول و سلسله مراتب قابل جستجو است، ولی نمی توان این واقعه را به عنوان جرم سازمان یافته تمام عیار به مفهوم امروزی قلمداد کرد.

۱-۲-۲. توطئه مسجد ضرار

توطئه مسجد ضرار در آیه شریفه ۱۰۷ سوره توبه یاد شده است. داستان از این قرار بوده که دوازده نفر از منافقان با رهبری «ابو عامر راهب»، که دشمن سرسخت اسلام بود، با تبانی و توافق یکدیگر، پایگاهی در لوای مسجد، برای ضربه زدن به پیامبر ﷺ و در پی آن کیان اسلام و ایجاد تفرقه بین مسلمانان، تأسیس کردند. این مسجد بنا شد، ولی قبل از اینکه توطئه منافقان محقق گردد، خداوند آن را برملا کرد و پیامبر ﷺ چند نفر از اصحاب خود را فرستاد که آن مسجد را خراب کنند و بسوزانند. این امر صورت گرفت و محل آن مسجد، زیاله دان گردید (بحرانی، بی تا، ۸۴۷/۲؛ قمی، ۱۴۰۴، ۱/۳۰۵؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ۸/۲۵۲؛ جصاص، ۱۴۱۵، ۳/۲۰۰؛ سیوطی، ۱۴۱۶، ۲/۳۸۷). در این توطئه چند هدف قابل ریشه یابی است: (۱) زیان رساندن به مسلمانان؛ (۲) تقویت کفر تا جایی که مردم به وضع قبل از اسلام برگردند؛ (۳) تفرقه افکنی در بین مسلمانان؛ (۴) ایجاد مرکز و کانون نفاق برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود و سوابق سوء او بر همگان روشن بود (منظور رهبر توطئه؛ ابو عامر است) (مکارم شیرازی، بی تا، ۸/۱۳۷-۱۳۸؛ طباطبایی، بی تا، ۹/۳۸۹؛ زمخشری، ۱۳۸۵، ۴/۱۰۱).

با بررسی دیدگاه‌های مفسران، به‌طور اختصار نکاتی در این توطئه به‌دست می‌آید:
(۱) گروهی و تشکیلاتی بودن توطئه مسجد ضرار، در این جریان، دوازده نفر از منافقان با رهبری و هدایت ابوعامر راهب دخالت داشتند (سیوطی، بی‌تا، ۷۷/۳).
(۲) علت تخریب مسجد ضرار، ایجاد کفر و تفرقه بین مؤمنان و تبدیل مسجد به پایگاه ضد اسلام بود.

(۳) هدف و انگیزه منافقان این بود که از این راه به قدرت برسند و در پی آن اقدام به براندازی حکومت نوپای اسلامی کنند.

(۴) اقدام منافقان به‌صورت نظام‌مند و با تباری و توافق یکدیگر طراحی شده بود.
(۵) تهدید برضد نظام نوپای پیامبر ﷺ منشأ خارجی داشت و آن کشور روم بود که با رهبری ابوعامر هدایت می‌شد و ایشان به‌عنوان پشتوانه مالی و انسانی این تشکل و همبستگی منافقان به‌شمار می‌رفت.

(۶) بی‌شک اجرای توطئه برضد مصالح بنیادین و تمامیت جامعه اسلامی، هرچند با جرم عینی خاصی همراه نباشد، حرام است (حبیب‌زاده و مؤمنی، ۱۳۸۹، ۱۴۰).
یکی از عناصر مادی جرم سازمان‌یافته، وجود گروه مجرمانه است که در این توطئه بیش از سه نفر شرکت داشتند.

برنامه‌ریزی و تباری بین اعضا گروه، از دیگر عناصر مادی جرم سازمان‌یافته است که باز در توطئه مسجد ضرار قابل جستجو است. بدین صورت که توطئه‌گرها به‌صورت سازماندهی شده و با تباری و توافق یکدیگر و با مدیریت ابوعامر، اقدام به پایگاهی در قالب مسجد زدند تا از این راه، موجب اختلاف‌افکنی و در نهایت تقویت کفر و براندازی حکومت اسلامی گردند.

از دیگر عناصر مادی جرم سازمان‌یافته، استمرار و تداوم فعالیت مجرمانه است و قابل توجه آن است که ملاک استمرار فعالیت مجرمانه، استمرار فعلی و واقعی است، نه استمرار شانی و فرضی. بنابراین، در توطئه مسجد ضرار، اگرچه بنای منافقان حفظ و تثبیت این پایگاه بر زبان پیامبر ﷺ و مسلمانان بود و قصد براندازی حکومت اسلامی را داشتند، ولی این انگیزه به‌طور فعلی و واقعی محقق نگردید و بر همین اساس، این رکن در توطئه مسجد ضرار قابل جستجو نیست.

در جرائم سازمان یافته، علاوه بر آگاهی و عمدی بودن عمل مجرمانه، انگیزه مالی وجود دارد که در توطئه مسجد ضرار به طور آشکار وجود نداشت و انگیزه اصلی توطئه، دستیابی به قدرت سیاسی بود.

در این توطئه علاوه بر عناصر مطرح شده، اوصافی چون قدرت مرکزی، سلسله مراتب و تقسیم وظایف قابل ردیابی است. بنابراین، اگرچه برخی از عناصر جرم سازمان یافته در توطئه مسجد ضرار قابل جستجو است، ولی نمی توان از آن به عنوان جرم سازمان یافته با همه عناصر آن نام برد.

۱-۲-۳. جریان ارتداد یهودیان در عصر پیامبر ﷺ

می توان ارتداد را در زمره جرائم فرهنگی و اجتماعی اسلام و از مهم ترین عوامل تزلزل اعتقادی جامعه به شمار آورد. آیه شریفه ۷۲ سوره آل عمران، از ارتدادی سیاسی در زمان پیامبر ﷺ، که یک عمل تاکتیکی خطرناک و مخرب از سوی کفار بود، خبر می دهد. مفسران در مورد شأن نزول آیه آورده اند که دوازده تن از پیشوایان یهود، باهم تبانی کردند که صبحگاهان خدمت رسول خدا ﷺ برسند و به ظاهر مسلمان شوند، ولی در روز آخر از این آیین برگردند و هنگامی که از آن ها سؤال شود چرا چنین کرده اند بگویند: ما صفات پیامبر ﷺ را از نزدیک مشاهده کردیم و دیدیم صفات و روش او با آنچه در کتب ماست تطبیق نمی کند، بنابراین برگشتیم، و به این وسیله موجب تزلزل و سستی اعتقاد مسلمانان گردند (طباطبایی، بی تا، ۳/۲۷۲؛ تیمی البکری، بی تا، ۸/۱۰۰؛ زمخشری، ۱۳۸۵، ۲/۸۷). این مسئله نشان می دهد که جریان ارتداد در آیه مورد نظر، عملی گروهی، منسجم، خطرناک و از روی تبانی و توافق صورت گرفته بود تا به سبب آن، اعتقاد مسلمانان را تضعیف و متزلزل کند.

گروهی بودن عمل مجرمانه به عنوان یکی از عناصر جرم سازمان یافته، در این توطئه که متشکل از دوازده نفر بودند، محقق بود.

تبانی و برنامه ریزی اعضا، از دیگر عناصر مادی جرم سازمان یافته در این توطئه که دارای تشکیلاتی منسجم و توأم با توافق و تبانی یکدیگر بود به چشم می خورد. به طوری که صبحگاهان خدمت پیامبر ﷺ می رسیدند و ظاهراً ایمان می آوردند و

مسلمان می‌شدند، ولی در آخر روز از این آیین برمی‌گشتند و از این طریق امنیت جامعه اسلامی را متزلزل می‌کردند تا به کیان اسلام و مسلمانان ضربه بزنند. از دیگر عناصر مادی جرم سازمان‌یافته، استمرار فعالیت مجرمانه است که به نظر می‌رسد در این توطئه قابل ردیابی نباشد؛ زیرا عنصر مادی در ارتداد، خروج از دین است که یک امر دفعی است و استمرار در آن اصولاً قابل تصور نیست.

عنصر معنوی جرم سازمان‌یافته، علاوه بر آگاهی و عمدی بودن عمل مجرمانه، وجود انگیزه مالی است که البته این توطئه فاقد آن است؛ زیرا که گروه مجرمان (مرتدان) انگیزه‌شان ضربه زدن به کیان اسلام و تزلزل امنیت جامعه و براندازی حکومت اسلامی بود و مسائل مالی انگیزه آشکار آن‌ها را تشکیل نمی‌داد.

بنابراین، در تحلیل نهایی از عناصر جرم سازمان‌یافته در حوادث تاریخی مطرح شده می‌توان چنین گفت: اگر قائل باشیم که انگیزه مالی از مقومات و عناصر الزامی جرم سازمان‌یافته است، حوادث مورد نظر نمی‌توانند به‌عنوان جرمی سازمان‌یافته به مفهوم امروزی قلمداد گردند، ولی اگر استمرار گروه مجرمانه برای فعالیت مجرمانه را عنصری اختیاری تلقی کنیم و انگیزه سیاسی را نیز از مقومات جرم سازمان‌یافته در نظر آوریم، می‌توانیم حداکثر مشابهت را با جرم سازمان‌یافته در این حوادث تاریخی بیابیم. در هر حال، این حوادث که به صورت گروهی و سازماندهی شده و از روی تباری و به کارگیری سلسله مراتب انجام گرفته بودند، جرمی تشکیلاتی قلمداد می‌شوند و در آن‌ها می‌توان ردپایی از جرم سازمان‌یافته را جستجو کرد.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی نهم
زمستان ۱۳۹۶

۲۰

۲-۲. نسبت برخی عناوین مجرمانه فقهی با جرم سازمان‌یافته

نسبت‌یابی میان برخی از عناوین مجرمانه فقهی از قبیل: بغی، محاربه و تواطؤ با جرم سازمان‌یافته نیز در اینجا قابل بررسی است.

۲-۲-۱. بغی

بغی از جمله جرائمی است که برای حفظ و صیانت از حکومت اسلامی جرم‌انگاری شده است. بغی از لحاظ لغوی به معنای طلب همراه با تجاوز آمده است (قرشی، ۱۴۱۲، ۲۰۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۷، ۱۳۶). در اصطلاح فقها تعاریف

مختلفی شده است (طباطبایی حائری، ۱۴۱۵، ۷/ ۴۵۶؛ نجفی، ۱۳۶۲، ۲۱/ ۳۲۲؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ۲/ ۲۷۹؛ مقدّس اردبیلی، ۱۴۰۹، ۷/ ۵۲۴؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ۲/ ۴۰۴) که از مجموع تعریف‌ها حاصل می‌شود، کسانی که برضد حکومت اسلامی و یا حاکم آن، قیام و شورش می‌کنند، باغی هستند و مقوله باغی اختصاص به خروج علیه امام معصوم علیه السلام ندارد. بسیاری از فقهای شیعه و حقوق‌دانان، گروهی بودن بغات را شرط تحقق آن دانسته‌اند و قائل‌اند مجازات بغات به دلیل داشتن گروه و تشکیلات منسجم اشد است (طوسی، بی تا، ۷/ ۲۶۹؛ مرعشی شوشتری، ۱۳۷۳، ۷۱؛ حبیب‌زاده، ۱۳۷۰، ۱۷۵؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸، ۲۰۵). فقهای اهل سنت، گروهی بودن را از ویژگی تحقق جرم باغی دانسته‌اند (زحیلی، ۱۴۱۱، ۲۴۱/ ۲۱). از شروط دیگر جرم باغی که در سازمان‌یافتگی آن مؤثر است، برخوردارگی شوکت و قدرت مادی کافی باغیان است. علامه حلی شرط داشتن قدرت مادی بغات را ضروری دانسته و تحقق چنین چیزی را درگرو کثرت عدد و قدرت و شوکت خروج‌کنندگان می‌داند؛ از این رو، تصریح می‌کند که اگر افراد باغی تعدادشان کم باشد، مثل اینکه یک، دو و یا ده نفر باشند، در زمره قطع الطریق قرار می‌گیرند (علامه حلی، ۱۴۱۹، ۹/ ۴۰۶). برخی دیگر نیز شرط بالا را برای تحقق باغی لازم یافته‌اند (طوسی، بی تا، ۷/ ۲۶۴؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۲/ ۱۵). فقهای اهل سنت آورده‌اند که باغی باید در موضع قدرت و شوکت و دارای گروهی باشد که برای دفع آن‌ها نیازمند هزینه کرد مالی و نیروی انسانی باشد (زحیلی، ۱۴۱۱، ۲۴۱/ ۲۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۹، ۹/ ۴۱۰). سرخسی از فقهای حنفی معتقد است، زمانی که اهل باغی از شوکت و قدرت مادی برخوردار نباشند، و یک یا دو نفر از اهل شهر به‌زعم خود با داشتن توجیه و مجوز شرعی قیام کنند، در زمره باغیان به حساب نمی‌آیند (سرخسی، ۱۴۰۶، ۱۰/ ۱۳۴). در مذهب شافعی برای تحقق جرم باغی وجود قدرت و رهبری گروه ملاک است (گلدوست جویباری، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲)، در حالی که فقهای شیعه، برای بغات ذوقته، وجود فرمانده و رهبر را شرط می‌دانند (علامه حلی، ۱۳۶۸، ۱۱۱). پس از بیان مطالب یادشده اذعان می‌شود که جرم باغی، یک جرم عادی و فردی نیست و برای تحقق جرم باغی، وجود «قدرت و شوکت» و «کثرت» در بغات ملاک است.

گرچه برخی از فقها، قیام و خروج فردی را نیز مصداق بغی قرار داده‌اند (شهیدثانی، ۱۳۸۷، ۲/۴۰۷)؛ ولی به نظر می‌رسد:

اولاً، بنا بر نصّ آیات و روایات، بغی به صورت گروهی و جمعی واقع می‌شود. ثانیاً، با توجه به اینکه بغی به براندازی حکومت اسلامی منجر می‌شود و همواره براندازی با کار گروهی و تشکیلاتی امکان‌پذیر است، امکان بغی به صورت فردی غیرممکن است.

ثالثاً، نظر اکثریت فقها بر گروهی و تشکیلاتی بودن بغی است و از این طریق نظر گروه اقل از قوت می‌افتد.

نکته حائز اهمیت در مسئله، انگیزه و هدف بغی است. بر اساس تعاریفی که برای بغی مطرح گردید، بدیهی است که انگیزه و هدف بغی، جنبه مالی و اقتصادی ندارد و ذاتاً دارای جنبه سیاسی است و مقابله با حکومت اسلامی و سرنگون کردن آن مقصود است (پوربافرانی، ۱۳۹۱، ۴۹-۴۸). براین اساس، بغی از دیدگاه بیشتر حقوق دانان و فقها، جرم سیاسی قلمداد شده است (مجیدی، ۱۳۸۶، ۱۶۶-۱۶۵؛ حبیب‌زاده، ۱۳۷۹، ۱۹۴؛ مرعشی شوشتری، ۱۳۷۳، ۶۲-۶۱؛ زرگوش‌نسب و دیگران، ۱۳۹۱، ۱۱۷).

جستارهای
فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی نهم
زمستان ۱۳۹۶

۲۲

اکنون به بررسی عناصر سازمان‌یافتگی در بغی می‌پردازیم:

بنابر ظهور آیات، روایات و نظر بیشتر فقهای امامیه و حتی اهل سنت بیان شد که جرم بغی نمی‌تواند یک جرم فردی باشد و به صورت گروهی محقق می‌گردد. از دیگر عناصر مادی جرم سازمان‌یافته، وجود تبانی و برنامه‌ریزی بین اعضاست که در جرم بغی زمانی که ذوفته باشد، به چشم می‌خورد. ادامه فعالیت مجرمانه گروه، از دیگر عناصر مادی جرم سازمان‌یافته است که در ذوفته استمرار و تداوم زمانی فعالیت مجرمانه وجود دارد.

عنصر معنوی جرم سازمان‌یافته، علاوه بر آگاهی و عمدی بودن عمل مجرمانه، وجود انگیزه مالی است. در جرم بغی بدیهی است که انگیزه و اهداف اساسی جرم بغی، براندازی حکومت اسلامی و دستیابی به قدرت است، به طوری که برخی بغی را از مصادیق جرم سیاسی قلمداد کرده‌اند.

در جرم بغی با قید ذوفئه، عناصر غیرالزامی مانند: قدرت مرکزی، تقسیم وظایف و سلسله مراتب نیز مشهود است.

در هر حال، ملاحظه می‌شود که جرم بغی با قید ذوفئه، دارای عناصر زیادی از جرم سازمان یافته است، ولی در مورد انگیزه جرم بغی باید گفت که انگیزه اصلی آن سیاسی و کسب قدرت است، در حالی که انگیزه جرم سازمان یافته، مالی است. مگر اینکه قائل شویم انگیزه سیاسی هم از مقومات جرم سازمان یافته است. همان طور که برخی در تعاریفشان کسب قدرت را از عناصر جرم سازمان یافته دانسته‌اند، بنابراین با فرض قبولی انگیزه سیاسی به عنوان مقوم جرم سازمان یافته، جرم بغی به عنوان بارزترین جرم سازمان یافته به شمار می‌رود.

۲-۲-۲. محاربه

از عنوانین فقهی که گویا برخی عناصر جرم سازمان یافته را داراست، جرم محاربه است. برای محاربه تعاریف مختلفی بیان شده است (خمینی، ۱۳۹۰، ۴۹۲/۲؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۲۵۱/۶؛ حبیب زاده، ۱۳۷۹، ۲۹؛ مؤمن قمی، ۱۳۸۲، ۲۰ و ۲۱) ولی تعریف مشهور فقها، «تجريد السلاح لآخافۃ الناس»؛ یعنی «کشیدن اسلحه برای رعب و ترساندن مردم» (محقق حلی، ۱۴۰۹، ۴/۹۵۹-۹۵۸؛ مکی عاملی، ۱۴۱۱، ۲۴۴/ طباطبایی حائری، ۱۴۱۵، ۲۸/۱۳) است. بر اساس این تعریف، شرایط تحقق محاربه، به کارگیری اسلحه و قصد برهم زدن امنیت و آسایش مردم است. نکته مهم اینکه آیا تعدد مجرمان و دارا بودن شوکت و قدرت در تحقق محاربه شرط است؟ از تعریف مشهور فقهای شیعه استفاده می‌شود که تعدد مجرمان و شوکت، ملاک جرم محاربه نیست (علامه حلی، ۱۴۱۹، ۵۶۸/۳). اما بر مبنای تعریف فقهای اهل سنت و برخی از فقهای شیعه که برای تحقق محاربه راه زنی را شرط دانسته‌اند، به نظر می‌رسد تحقق آن به کار گروهی و تشکیلاتی و دارای شوکت و قدرت وابسته است و به صورت فردی ممکن نیست. بر این مدعا، سرخسی از فقهای اهل سنت آورده است که از شرایط محاربه، تشکیل گروه است؛ چون راهزنان به موجب نص قرآن، محارب‌اند و محاربه، طبیعتاً توسط گروهی محقق می‌شود که برای آن گروه، قدرت و اقتدار و شوکت باشد

که از این طریق، خطر را از خودشان دفع کنند و بر دیگران غالب شوند. راه‌زنی چون سبب عنوان محاربه است، جز با وجود گروه و تشکیلاتی که دارای قدرت و شوکت باشد، محقق نمی‌شود (سرخسی، ۱۴۰۶، ۱۹۵/۹). به‌موجب این، وقتی که برای تحقق محاربه، راه‌زنی و تسلط بر عابران ملاک باشد، وقوع این عمل از سوی یک نفر ممکن نیست و باید افراد دارای شوکت و قدرت و در قالب دسته و گروه عمل کنند تا هم بتوانند دیگران را مورد حمله قرار دهند و اموالشان را غارت کنند و هم از خودشان دفاع کنند (غلامی، ۱۳۹۳، ۱۵۴). به‌علاوه، برخی از پژوهشگران در خصوص عنوان مجرمانه محاربه که در آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده آمده است، سازمان‌یافتگی بودن این عنوان مجرمانه بر ضد امنیت و اموال عموم افراد جامعه را استنباط کرده‌اند (سالارزایی، ۱۳۸۸، ۱۸۱-۱۸۲).

بنابراین، جرم محاربه از دیدگاه بیشتر فقهای امامیه ممکن است به‌صورت فردی یا گروهی واقع شود، ولی از دیدگاه فقهای اهل سنت و برخی از فقهای شیعه که محارب را قطاع‌الطریق دانسته‌اند و برخی از محققان که مبنای مجازات آن را سازمان‌یافته بودن در نظر گرفته‌اند، وجود افراد در قالب گروه و تشکیلات و دارای شوکت و قدرت را شرط می‌دانند.

از عناصر مادی جرم سازمان‌یافته، گروهی بودن است؛ بنابراین، وقتی برای تحقق محاربه، راه‌زنی و تسلط بر عابران شرط باشد، وقوع این عمل همواره به‌صورت فردی ممکن نیست و بلکه باید افراد دارای شوکت و قدرت و به‌صورت گروهی و تشکیلاتی عمل کنند و در این حالت هم بیش از دو نفر باشند.

تبانی و برنامه‌ریزی بین اعضا از دیگر عناصر مادی است. با توجه به اینکه محاربه به‌صورت گروهی متشکل از چند نفر و با شوکت واقع می‌شود، گروه مجرمانه به‌صورت هدفمند و با تبانی و برنامه‌ریزی شده زمینه ارتکاب جرم را فراهم می‌آورند. از دیگر عناصر مادی، استمرار فعالیت مجرمانه است. شاید بتوان گفت: در موردی که راه‌زنی و تسلط بر عابران در جرم محاربه شرط است، استمرار فعالیت مجرمانه به‌طور قابل توجهی وجود داشته باشد.

عنصر معنوی جرم سازمان‌یافته، علاوه بر آگاهی و عمدی بودن عمل مجرمانه،

وجود انگیزه و داعی تحصیل منافع مادی است که انگیزه و هدف اصلی در جرم محاربه، تحصیل منافع مادی؛ یعنی غارت و تجاوز نمودن به اموال مردم است. اوصافی دیگر جرم سازمان یافته مانند: استفاده از ترس، تهدید و گاهی خشونت در راه رسیدن به اهداف مجرمانه در جرم محاربه قابل جستجو است.

نتیجه اینکه، بر اساس دیدگاه اهل سنت، جرم محاربه، جرمی سازمان یافته قلمداد می گردد.

۲-۲-۳. تواطؤ

در فقه شیعه، تواطؤ به معنای توافق و تبانی افراد در عمل ارتكابی به کاررفته است که در مسائل گوناگونی به این موضوع پرداخته شده است. مثلاً در مسئله شهادت، هنگامی که چند نفر بخواهند شهادت بدهند، قاضی شاهدان را از یکدیگر جدا می کند تا تواطؤ؛ یعنی توافق و تبانی در شهادت دادن رخ ندهد؛ زیرا حکم در اثر تواطؤ و تبانی، باطل و بی اثر است. بنابراین، با جدا کردن شهود از هم و عدم امکان تبانی آنها، در صورتی که شهادت آنها یکی باشد، شهادت شاهدان قابل قبول است و بر اساس آن، حکم داده می شود (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ۴۴۶). همچنین در لوث شرط است که تحقق آن با شهادت گروهی از بندگان و زنان باشد به شرطی که تبانی و تواطؤ بین آنها وجود نداشته باشد (طوسی، ۱۳۶۳، ۲۱۴/۷؛ شهیدثانی، ۱۴۱۴، ۱۵/۲۰۰). تواطؤ در اقرار هم مبنای حکم بوده است؛ بدین صورت که اگر شخصی به قتل عمدی دیگری اقرار نماید (مقرّ اول) و شخص دیگری هم به قتل همان شخص کشته شده اقرار نماید (مقرّ دوم) و سپس مقرّ اول به قتل، از اقرار خود رجوع نماید، بر مبنای قول مشهور فقها، قصاص از هر دو ساقط می شود و دیه از بیت المال پرداخت می شود (مقدّس اردبیلی، ۱۴۰۹، ۱۴/۱۶۳؛ خمینی، ۱۳۹۰، ۲/۵۲۴). به نظر می رسد مبنای این حکم زمانی است که تبانی وجود نداشته باشد. در متون فقهی اهل سنت هم تبانی در جرم در بحث شرکت در جرم به صورت توافق و تمالؤ آمده است. توافق، تبانی بر انجام فعل بدون برنامه ریزی قبلی برای فعل ارتكابی گفته می شود، ولی تمالؤ، توافق و تبانی قبلی شرکا بر ارتكاب جرم بیان شده است (عوده، ۲۰۰۱، ۲/۵۱۷) بنابراین، توافق با تمالؤ

متفاوت است. در توافق، هر یک از شرکا، مسئول فعل ارتكابی خودشان هستند، اما در تمالؤ، همه مسئول فعل واقع شده‌اند هرچند که نوع عمل ارتكابی شرکا متفاوت باشد. بنابراین، با توجه به ماهیت تواطؤ در فقه، ارکان مشکله آن عبارت‌اند از: ۱. برای تبانی در عمل مجرمانه حدّ اقل باید دو نفر وجود داشته باشد. ۲. توافق و تبانی بین اعضا در عمل ارتكابی وجود داشته باشد.

از عناصر مادی جرم سازمان‌یافته، گروهی بودن است. لازمه تواطؤ، تعدّد افراد است که حدّ اقل دو نفر باید در ارتكاب جرم وجود داشته باشد، اما براساس ماهیت جرم سازمان‌یافته که پیش‌تر اشاره گردید، گروه مجرمانه باید حدّ اقل سه نفر باشند. در همین راستا، می‌توان گفت: در برخی از مصادیق تبانی در ارتكاب جرم از جمله تبانی برضد امنیت کشور و با مبنای جرم‌نگاری تبانی که در جرائم شدید می‌باشد، گروه مجرمانه بیش از دو نفر هستند و گروهی بودن قابل استنباط است.

از دیگر عناصر مادی جرم سازمان‌یافته، تبانی و برنامه‌ریزی گروه در جهت فعالیت مجرمانه است که در تواطؤ مشهود است.

استمرار و وجود انگیزه مالی در جرم ارتكابی از دیگر عناصر جرم سازمان‌یافته است که در تواطؤ به نظر می‌رسد این دو عنصر به‌طور دقیق و قطعی در همه مصادیق قابل جستجو نباشد.

در حال، اگرچه سازمان‌یافتگی جرم در تواطؤ مشخصاً به دست نمی‌آید، ولی با توجه به ارکان اساسی تبانی و توافق در این جرم که برخی از حقوق‌دانان، به‌طور ضمنی، جرم تبانی را جرمی سازمان‌یافته دانسته‌اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷، ۲۳۶) و برخی، تشکیل سازمان مجرمانه و یا سازمانی که هدفش ارتكاب جرم است را به‌عنوان تبانی، جرم‌نگاری کرده‌اند و علل جرم‌نگاری آن را به‌خاطر زمینه‌ساز بودن برای ارتكاب جرائم شدید و افزایش خطرناکی جرائم گروهی و سازمان‌یافته و پیچیدگی مبارزه اجتماعی با جرائم سازمان‌یافته می‌دانند (حبیب‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۴۹؛ الهام و دیگران، ۱۳۹۲، ۲۸) شاید بتوان سازمان‌یافتگی جرم در تواطؤ برای ارتكاب جرائم شدید را جستجو کرد و از آن به‌عنوان ردّ پای فقهی نام برد.

۳. تأثیر سازمان یافتگی جرم بر مجازات در منابع فقهی

در فقه و حقوق جزا عوامل مختلفی وجود دارد که موجب تشدید مجازات مرتکب است. پرسش اساسی آن است که از منظر فقهی، سازمان یافتگی و یا تشکیلاتی بودن، جزء عوامل تشدید مجازات است؟ به تعبیر دیگر، اگر یک جرم به صورت عادی انجام شود و همان جرم به صورت سازمان یافته و یا تشکیلاتی ارتکاب یابد، آیا به تشدید می انجامد؟ به نظر می رسد که چنین است. برای تأیید این نظر، به اقوال فقها استشهاد می شود:

الف) در مورد بغی با قید ذوفنه بودن روایات، سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام و فتوهای فقها، از تشدید مجازات حکایت می کند. بغات ذوفنه، به گروهی سازمان یافته گفته می شود که دارای تشکیلات و نیروی های ذخیره در پشت جبهه و برخوردار از رهبر باشند؛ اما بغات غیر ذوفنه، آن دسته از باغیانی هستند که فاقد تشکیلات و نیروهای سازمان یافته اند. در روایات، سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام و نظرات فقها آمده است که اگر افراد باغی دارای گروهی نباشند که به سوی آنها برگردند، فراری آنان تعقیب نمی شود و کشتن مجروحان و اسیران جایز نیست. در حالی که اگر دارای گروه سازمان یافته باشند، جنگیدن با آنها جایز و فراریان تعقیب و اسیران و مجروحان آنها اعدام و کشته می شوند (نجفی، ۱۳۶۲، ۲۱/۳۲۸؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۱۶/۲؛ طوسی، بی تا، ۲۶۸-۲۶۹). صاحب جواهر می گوید: در این موضوع، هیچ اختلافی نیافتم (نجفی، ۱۳۶۲، ۲۱/۳۲۸)؛ بنابراین، وجود گروه سازمان یافته، به عنوان ملاک و معیاری اساسی در تشدید مجازات است. در جرم بغی، اگر باغیان دارای تشکیلات باشند، اشد مجازات؛ یعنی اعدام و کشتن اجرا می شود و علت برخورد متفاوت این است که بغات برخوردار از گروه سازمان یافته تاوقتی که تشکیلات و هسته مرکزی دارند به قوت خود باقی هستند، باید با آنها سخت گیرانه برخورد نمود تا سازمان نظامی آنان منحل شود و از بین برود.

ب) در حیات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، دو گونه ارتداد وجود داشته که از حیث احکام باهم متفاوت اند. نخست، مرتدانی که به صورت فردی مرتد شده و از گروه مسلمانان خارج شده اند که برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله با آنها شدید نبوده و بلکه توبه آنها را پذیرفته است. دوم،

مرتدانی که به صورت گروهی و تشکیلاتی از اسلام خارج شدند و به کیان اسلام ضربه می‌زدند که برخورد حضرت با ایشان شدید بوده و حکم قتل را در مورد آنان اجرا کرده است. مثلاً در ارتداد فردی نقل شده است که «حارث بن سوید» مرتد شد و به مکه رفت؛ ولی سپس پشیمان و به مدینه برگشت و با واسطه، از پیامبر ﷺ تقاضای توبه کرد و پیامبر ﷺ هم توبه‌اش را پذیرفت و او را بخشید (ابن اثیر، بی‌تا، ۱/۲۹۱-۲۹۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ۲/۳۳۹-۳۳۸). در حالی که «عبه‌ة بن کعب بن عوف عنسی» ملقب به «اسود عنسی» کسی بود که با ادّعی نبوت، مرتد شده بود و مردم را گمراه و به سوی خود دعوت می‌کرد و گروهی هم به او پیوسته و مرتد شدند. در این حال، پیامبر ﷺ چون به خاطر بُعد مسافت امکان لشکرکشی برایش ممکن نبود، به کارگزاران خود دستور داد که با سردسته گروه، برخورد سختی نمایند و او را به قتل برسانند. این عمل توسط «فیروز دیلمی» انجام گرفت و سردسته گروه کشته شد و دوباره مردم را به اسلام دعوت کرد و آنان گفتند که «اسود عنسی» دروغ گو بوده و اکنون کشته شده است (ابن اثیر، ۱۳۹۹، ۲/۳۳۶-۳۴۱؛ طبری، بی‌تا، ۲/۲۴۷-۲۵۳). با این توضیح معلوم گردید که در ارتداد سازمان‌یافته برخلاف ارتداد فردی، چون موجب تعرض و ضربه زدن به کیان حکومت اسلامی و تضعیف روحیه مسلمانان شده و آسیب‌های فراوانی را به جامعه اسلامی به بار آورده، مجازات شدید اجرا شده است.

ج) مورد دیگر، جرائم برضد اخلاق است. فقها بین حالت فردی و عادی بودن جرائم برضد اخلاق با حالت گروهی و تشکیلاتی بودن آن قائل به تفاوت مجازات شده‌اند. برخی مراجع معاصر آورده‌اند: ناامنی اجتماعی در جامعه از قبیل باندها و گروه‌های فساد که سعی در افساد و سوءاستفاده از دختران و جوانان پاک در جامعه دارند، این چنین کانون‌های ناامن اخلاقی-اجتماعی، یک جرم عادی و فردی نیست، بلکه این جرم از نوع جرم سازمان‌یافته است؛ پس مجازات چنین جرمی با جرم فردی و عادی آن متفاوت است؛ چرا که جرم سازمان‌یافته مفاسد اجتماعی به دنبال دارد، امنیت ناموسی جامعه را تهدید می‌کند و مجازات سخت و سنگین‌تری دارد و فقه اسلامی در اینجا چند ضربه شلاق و امثال آن که در حالت فردی و عادی است را کافی نمی‌داند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵، ۳۸۸-۳۹۰). بر این اساس برخی حکم سازمان‌یافته آن

را حکم محاربه و برخی آن را حکم افساد فی الارض و برخی دیگر اشاعه فحشاء به صورت گروهی و سازمان یافته که به قصد براندازی نظام اسلامی باشد را حکم باغی دانسته اند (مکارم شیرازی: پایگاه اینترنتی آن؛ علوی گرگانی: پایگاه اینترنتی آن)؛ بنابراین، جرائم برضد امنیت اجتماعی بیشتر به صورت گروهی و سازمان یافته شکل می گیرند و مستوجب اشد مجازات هستند.

د) از موارد دیگری که سازمان یافتگی موجب تغییر در عنوان جرم می شود و به دنبال آن مجازات شدیدتر می شود آن است که برخی از فقها در مورد جرمی که به صورت سازمان یافته و گروهی واقع می شود و کسی یا کسانی که در عملیات اجرایی جرم دخالت نداشته، ولی از اعضای گروه بوده و بلکه به عنوان معاون یا معاونان و کمک کننده در جرم بوده اند را به عنوان مشارکت در جرم شناخته است و مجازات شراکت در جرم را شامل همه اعضا و گروه می داند. برخی از علمای معاصر قائل اند که اگر جرمی به صورت فردی و غیر گروهی انجام شود و همان جرم به شکل گروهی و سازمان یافته صورت گیرد، در این صورت مجازات اعضا و گروه همانند مجازات مباشر در جرم است. به تعبیر دیگر، همه افراد، شریک در جرم قلمداد می شوند و مجازات تشدید می شود. ایشان در بحث محاربه معتقدند، در صورتی که محاربه به صورت گروهی و سازمان یافته محقق شود، «ردء»^۱ و «طلیع»^۲ که در عناصر و رفتار مجرمانه به طور دقیق دخیل نیستند، به عنوان مشارکت در جرم و محارب محسوب و اشد مجازات جاری می شود (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۹، ۳/۵۳۲) بنا بر این، با اینکه «ردء» و «طلیع» شریک در جرم محاربه نیستند و بلکه به عنوان معاونان در جرم تلقی می شوند، ولی به خاطر سازمان یافتگی در جرم، عنوان معاونت در جرم آن ها تغییر و

۱. «ردء» به کسی گفته می شود که به محارب کمک می کند، بدون اینکه در عملیات محاربه دخیل باشد.

۲. «طلیع» به کسی گفته می شود که برای محارب اطلاعات می برد.

۳. «فلو كانت المحاربة يتصد جمعى ويشكل تنظيمى كالشبكة الارهابية الموجودة فى هذا الزمان حيث يقسمون العمل بينهم و تكون على كل فرد من افراد الشبكة وظيفة خاصة بحسب تخصصه و مهارته و بعضهم ياخذون السلاح و الآخرون يقصدون أمورا أخرى ففى هذه الحالة الكل محاربون لان المحاربة هنا عبارة عن مجموعة من الاعمال المختلفة التى بعضها يكون عملاً عسكرياً قتالياً و البقية فى جوانب أخرى ذات علاقة به غير ان جميعها مترابطة فيما بينها... اذا كانت بشكل الشبكات و العصابات و حينئذ فلا يصح ان يقال: ان الرد و الطليع و امثالهما من معاونين لا يكونون من مصاديق المحارب مستدلاً بانهم لم يقصدوا الاخافة و لم يجرذوا السلاح». (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۹، ۳/۵۳۲).

مشارکت در جرم قلمداد می‌شوند و اشد مجازات؛ یعنی مجازات محارب حکم داده می‌شود. ایشان این موضوع را در بحث سرقت حدی هم بیان کرده‌اند و معتقدند سرقت حدی که به صورت گروهی و سازمان‌یافته صورت گیرد و یک نفر هتک حرز می‌کند و مال را می‌برد، در اینجا باید گفت که این هتک حرز متعلق به تمامی اعضا و گروه بوده است، پس همه اعضا محکوم به قطع عضو هستند، گرچه کسی که مال را برده، هتک حرز نکرده باشد و یا آن کسی که هتک حرز کرده، مالی را نبرده باشد. در اینجا هم با وجود سازمان‌یافتگی در جرم سرقت حدی، همه اعضا به عنوان مشارکت در جرم شناخته می‌شوند و تشدید مجازات؛ یعنی قطع جاری می‌شود (همان، ۱۴۲۹، ۵۴/۳-۵۳) بر اساس این دیدگاه، هر جرمی که به صورت سازمان‌یافته انجام گیرد، همه اعضا به عنوان شریک در جرم قلمداد می‌شوند و مجازات مشارکت در آن جرم جاری می‌شود، هر چند که برخی از اعضا و گروه در آن جرم به صورت دقیق مداخله نداشته باشند. پس در این مورد، سازمان‌یافتگی و تشکیلاتی بودن جرم، عنوان مجرمانه را تغییر می‌دهد و به دنبال آن مجازات اشد می‌گردد.

۴. جرم سازمان‌یافته به مثابه افساد فی الارض

افساد فی الارض از عناوینی است که به طور خاص در آیات (مائده، ۳۲-۳۳) و روایات متعدد به کار رفته و حکم جزایی خاصی برای آن ذکر شده است. ولی در منابع و کتب فقهی، بحث مستقلی از آن انجام نشده بلکه به مصادیقی از افساد پرداخته‌اند. جامع تعاریف لغوی افساد، تعریف راغب است که می‌گوید: «فساد، بیرون رفتن از حد اعتدال است؛ چه کم باشد و چه زیاد و صلاح، ضد فساد است و فساد در روح و روان و جسم و چیزهای نامتعادل استعمال می‌شود.» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷، ۳۷۹). در مورد معنای «فی الارض» دو احتمال مطرح شده که احتمال مناسب‌تر با برداشت مفسران و فقها و نیز فهم عرفی آن است که افساد؛ کنایه از تأثیر زیاد و گسترده‌گی جغرافیایی عمل مرتکب و گویای برپا کردن فساد در منطقه یا ناحیه‌ای از زمین است (بای، ۱۳۸۵، ۳۲). بیشتر فقها متعرض مفهوم آن نشده، بلکه به ذکر مصادیق آن بسنده کرده‌اند؛ از جمله: قصاص اشخاص معتاد به کشتن اهل ذمه و عبید

جستارهای

فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی نهم

زمستان ۱۳۹۶

۳۰

(مرعشی نجفی، ۱۴۱۵، ۱/ ۲۱۹ و ۲۶۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۹، ۴/ ۹۸۰؛ جبعی عاملی، ۱۳۷۸، ۱۰/ ۴۵؛ فخرالمحققین، ۱۳۷۹، ۴/ ۵۹۴)؛ قطع ید کفن دزد (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۳/ ۵۱۲؛ جبعی عاملی، ۱۳۸۷، ۹/ ۲۷۴؛ شیخ مفید، ۱۴۱۰، ۴/ ۸۰۴)؛ آدم‌ربایی (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۳/ ۵۱۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۹، ۴/ ۹۵۴؛ طوسی، ۱۳۶۵، ۱۰/ ۲۴؛ مرعشی نجفی، ۱۴۲۴، ۱۹۲)؛ قتل آتش‌افروز (طوسی، ۱۳۶۵، ۱۰/ ۲۳۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۲، ۳/ ۴۱۹)؛ قتل ساحر (طوسی، ۱۴۲۰، ۵/ ۳۳۱؛ تبریزی، ۱۳۷۸، ۴۲۶)؛ قطع ید محتال (طوسی، ۱۳۶۳، ۴/ ۲۴۳)؛ قتل تکرارکنندگان محرمات (ابن براج، ۱۴۰۶، ۵۳۶؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸، ۴۱۷)؛ محارب (نجفی، ۱۳۶۲، ۴۱/ ۵۶۹-۵۶۴)؛ و بعضی اقداماتی مانند تشکیل باندهای فحشا و منکرات، قاچاق مواد مخدر، خانه‌های هرزگی و بی‌عفتی و امثال این‌ها که سبب خروج بخشی از جامعه از حالت اعتدال می‌گردد، از مصادیق افساد فی الارض ذکر شده است (محمدی گیلانی، ۱۳۶۱، ۲۲۹). افساد فی الارض به معنای عام عبارت است از: هر عملی که آثار تخریبی گسترده ایجاد کند و سبب بروز فساد و فحشای وسیعی گردد. مثل توزیع گسترده مواد مخدر یا دیر کردن مراکز فحشا و فساد در سطح گسترده (مرکز تحقیقاتی فقهی، بی‌تا، کد سؤال ۶۴۸۴)؛ بنابراین، ملاک افساد فی الارض اقداماتی است که موجب گسترش فساد و ایجاد فتنه و ناامنی گسترده در سطح جامعه شود.

این پرسش ضروری است: آیا افساد فی الارض عنوان مجرمانه مستقلی است؟ در پاسخ، فقها نظرات گوناگونی ذکر کرده‌اند (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲، ۳/ ۳۱۹؛ محقق حلی، بی‌تا، ۶۶۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲، ۶۳۹) ولی باملاحظه و بررسی درآیات، روایات و دیدگاه فقها به نظر می‌رسد که باوجود مطرح نشدن افساد فی الارض در کتب فقهی، افساد فی الارض همان محاربه نیست و بلکه افساد عام می‌باشد. به گونه‌ای که محاربه از مصادیق بارز و شدیدتر افساد است و افساد فی الارض می‌تواند ملاک مستقلی برای خیلی از جرائم باشد؛ زیرا:

اولاً، مصادیقی که فقها در خصوص افساد فی الارض بیان نموده‌اند، با مفهوم محارب متفاوت است. از این روی، افساد فی الارض مستقل از محاربه است و بلکه محاربه خود یکی از مصادیق افساد است؛ همان‌طور که برخی از فقها محارب را از

مصادیق افساد آورده‌اند.

ثانیاً، کلمهٔ فساد و مشتقات آن پنجاه بار در قرآن به کاررفته (دامغانی، ۱۳۶۱، ۲۰۳/۲) که هر یک مصادیق و معناهای خاصی از جمله: آدم کشی (اسراء، ۴)، جادوگری و سحر (یونس، ۸۱)، سرقت، محاربه و غیره به دست می‌دهد و این خود دلیل بر مجزا بودن افساد فی الارض است.

ثالثاً، از آیهٔ شریفه ۳۲ سورهٔ مائده که بر جواز قتل برای افساد فی الارض دلالت دارد، به دست می‌آید که افساد فی الارض خود عنوانی مستقل از محاربه است (بای، ۱۳۸۴، ۳۸-۳۹).

با توجه به این نکات می‌توان گفت:

الف- افساد فی الارض یک عنوان عام و قابل توسعه است؛ چرا که برخی از جرائم که عنوان خاصی در شرع ندارند و فسادشان در جامعه بیشتر از جرائمی است که تحت عنوان خاص (محاربه، زنا و غیره) تعیین شده است، باید در دایرهٔ عنوان عامی مانند افساد فی الارض بگنجد مانند: قاچاق مواد مخدر، اشاعهٔ فرهنگ ابتذال و هرزگی، تشکیل باندهای فساد و فحشا. نمی‌توان گفت این قبیل جرائم از باب تعزیراتی بوده که مجازات آن کمتر از حد است؛ زیرا چه بسا این ادعا موجب وهن نظام جزایی اسلام گردد (حبیب‌زاده، ۱۳۷۹، ۲۳).

جستارهای
فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی نهم
زمستان ۱۳۹۶

۳۲

ب- افساد فی الارض به مانند ملاک عمل مجرمانه در فقه، در جرائم سازمان یافته به طور اشد وجود دارد و به نظر می‌رسد افساد فی الارض، نتیجه و اثر بارزتر جرم سازمان یافته است؛ زیرا جرم سازمان یافته با عناصر خاص خود، موجب اخلال در نظام اقتصادی، اخلال در امنیت و سلامت نظام اجتماعی و یا اشاعهٔ فحشا می‌گردد که این نشان بر گستردگی فساد جرم سازمان یافته است و ملاک تباهی آور بودن در جامعه شامل این فساد گسترده می‌شود. علاوه بر آن، بر اساس آیهٔ شریفهٔ ۱۹۱ سورهٔ بقره به وضوح فتنه را بدتر از کشتن می‌داند و فتنه، هم به حیات مادی و هم به حیات معنوی جامعه لطمه می‌زند، در حالی که با کشتن یک انسان، فقط حیات یک نفر لطمه می‌بیند (طباطبایی، بی تا، ۶۲/۲) از این رو، به نظر می‌رسد جرم سازمان یافته از جمله موارد فتنه و مصداق افساد فی الارض بر شمرده می‌شود پیش تر بیان گردید که فقها بین

حالت فردی بودن جرم باحالت سازمان‌یافتگی آن قائل به تفاوت مجازات می‌شدند و برای سازمان‌یافتگی بودن جرم افساد فی الارض را قائل بودند (مکارم شیرازی: پایگاه اینترنتی، علوی گرگانی: پایگاه اینترنتی، هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵، ۲/ ۳۸۸-۳۹۰).

نکته اساسی قابل استنباط این است که با توجه به ویژگی‌ها و عناصر خاص جرم سازمان‌یافته که تمامی اعضا گروه مجرمانه در ارتکاب جرم باهم در ارتباط‌اند و مجموعه و گروه واحدی را تشکیل و هدف مشترکی را دنبال می‌کنند و هریک انجام بخشی از ارتکاب جرم را بر عهده می‌گیرند می‌توان گفت: مسئولیت و مجازات، قابل تسری به همه گروه است هرچند که بعضی از اعضا در ارتکاب جرم و صحنه جرم هم حضور نداشته باشند. از این رو، چنانچه افرادی به صورت سازمان‌یافته مبادرت به ارتکاب جرمی نمایند و بعضی دیگر از افراد شبکه در ارتکاب جرم دخیل نباشند، افساد فی الارض قابل تعمیم به همه اعضا گروه است، البته با رعایت اختلاف مراتب. برای اثبات مدعا، برخی از فقهای معاصر بیان کرده‌اند در خصوص ارتکاب جرائمی که به شکل گروهی و سازمان‌دهی شده انجام می‌پذیرد (به صورت سازمان‌یافته باشد) اعضای آن نباید جداگانه مورد ارزیابی قضائی قرار گیرند، بلکه کل مجموعه را باید به دیده شخص واحدی نگریست و در این صورت، اگر عناصر تحقق بزه کامل گردد، باید حکم را روی یکایک اعضا اجرا نمود (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۹، ۳/ ۵۳-۵۴ و ۵۳۲).

تحلیل
جرم سازمان‌یافته
از دریچه فقه
۳۳

نتیجه‌گیری

از مباحث مطرح شده در این پژوهش می‌توان موارد زیر را نتیجه گرفت:

۱- با بررسی و تحلیل ماهیت جرم سازمان‌یافته معلوم گردید، گروهی بودن، برنامه‌ریزی و تبانی در بین اعضا، استمرار فعالیت مجرمانه و انگیزه مالی از مقومات جرم سازمان‌یافته به مفهوم امروزی آن است و در صورت فقدان هر یک از این موارد، سازمان‌یافتگی جرم محل اشکال است؛ بنابراین اگر عنصر استمرار و تداوم زمانی فعالیت مجرمانه وجود نداشته باشد، جرم تشکیلاتی است، نه سازمان‌یافته. همچنین جرائمی که با انگیزه سیاسی عمل مجرمانه انجام می‌دهند، در ردیف جرم سازمان‌یافته قرار نمی‌گیرند.

۲- در منابع فقهی اگرچه همه عناصر و مقومات جرم سازمان یافته به طور مشخص و معین قابل جستجو نیست و برای آن در مصادیق اعمال مجرمانه گذشته نمی توان مثال جامع و تمام عیاری یافت، ولی تشکیلاتی بودن؛ یعنی وجود گروه متشکل و منسجم و با تبانی که از عناصر قطعی جرم سازمان یافته است، قابل ردیابی است و بر همین اساس می توان به ردپایی از جرم سازمان یافته در منابع فقه شیعہ اذعان کرد. شایان یادآوری است که از منظر فقه اهل سنت نیز، محاربه جرمی سازمان یافته قلمداد می گردد.

۳- بهتر آن است که به جای کوشش در راستای ردیابی عناوین رفتارهای مجرمانه امروزی در گذشته فقه و در میان منابع و مدارک فقهی به ماهیت این دسته اعمال توجه شود و با شناسایی ملاک عمل مجرمانه از دریچه فقه، انطباق یا عدم انطباق ملاک بر رفتارهای نوظهور مجرمانه بررسی شود.

۴- از بحث های گذشته معلوم شد که سازمان یافتگی و یا تشکیلاتی بودن جرم بر جرم و شدت مجازات تأثیرگذار است و موجب تشدید مجازات و یا حتی تغییر عنوان جرم و سنگین تر شدن مجازات می شود. در اقوال فقها به طور مشخص می توان به جرم بغی و جرائم علیه اخلاق (تشکیل باندهای فحشا-بی حجابی سازمان یافته) اشاره کرد. نحوه برخورد و مجازات با بغات به اعتبار داشتن تشکیلات و عدم آن، متفاوت است. فقها بین حالت فردی بودن جرائم برضد اخلاق با حالت گروهی و تشکیلاتی بودن آن نیز قائل به تفاوت شده اند و در صورت سازمان یافتگی بودن آن، عنوان افساد فی الارض یا محارب و یا حتی باغی داده اند که بر این اساس عنوان جرم تغییر یافته و مجازات تشدید شده است.

۴- از منظر فقه و مستفاد از نصوص، افساد فی الارض اصلی ترین ملاک عمل مجرمانه است و این ملاک در جرائم سازمان یافته به طور قوی وجود دارد و به نظر می رسد افساد فی الارض، نتیجه و اثر بارز جرم سازمان یافته است؛ چراکه این دسته جرائم به طور گسترده به ایجاد و گسترش تباهی و ناامنی در زمین می انجامد، مصالح پنج گانه را مورد تهدید قرار می دهد در جرم سازمان یافته چون همه افراد به صورت یک زنجیره و شبکه می باشند، می توان همه اعضا را به عنوان مشارکت در جرم قلمداد نمود

و شاید بتوان عنوان مفسد فی الارض را به همه اعضا تعمیم داد و مجازات کرد و یا در صورت نپذیرفتن این دیدگاه، می توان سردسته و آمران جرم سازمان یافته را به عنوان مفسد فی الارض مجازات کرد.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد. (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. ج ۲، ۳ و ۶. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد. (بی تا). اسد الغابه فی معرفه الصحابه. ج ۱. لبنان-بیروت: دار الصادر.
۳. _____. (۱۳۹۹). الکامل فی التاریخ. ج ۲. لبنان-بیروت: دار الصادر.
۴. ابن بزّاج، عبدالعزیز بن نحریر. (۱۴۰۶). المهذب. قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن حمزه، محمد بن علی. (۱۴۰۸). الوسيله. قم: منشورات مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
۶. ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم. (۱۴۰۳ق). الکافی فی الفقه، تحقیق: رضا استادی، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۷. اسعدی، سید حسن. (۱۳۸۶). جرائم سازمان یافته فراملی. تهران: نشر میزان.
۸. الهام، غلامحسین، سمعی زنوز، حسین. «جرم تبانی علیه اموال، اعراض و نفوس مردم»، دیدگاه های حقوق قضایی، ۱۳۹۲ ش، شماره ۶۴.
۹. بای، حسین علی. «افساد فی الارض چیست، مفسد فی الارض کیست؟»، مجله فقه و حقوق، ۱۳۸۵، شماره ۹.
۱۰. _____. «سیری در مستندات فقهی جرم انگاری افساد فی الارض»، فقه و حقوق، ۱۳۸۴، سال ۲، شماره ۷.
۱۱. بحرانی، هاشم بن سلیمان. (بی تا). البرهان فی تفسیر القرآن. ج ۲ و ۴. قم: مؤسسه البعثة.
۱۲. بوریکان، ژاک. «بزهکاری سازمان یافته در حقوق کیفری فرانسه»، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷-۱۳۷۶، شماره ۲۲-۲۱.
۱۳. پوربافرانی، حسن. «تحلیل جرم قیام مسلحانه»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۱، سال ۴، شماره ۶.

۱۴. تبریزی، میرزا جواد. (۱۳۷۸). استفتانات جدید. قم: سرور.
۱۵. فخررازی، محمد بن عمر. (بی تا). تفسیر الفخر الرازی. ج ۸ و ۲۳. بی جا: بی نا.
۱۶. جصاص، احمد بن علی. (۱۴۱۵). احکام القرآن. ج ۲ و ۳. لبنان-بیروت: دارالکتاب العلمیه.
۱۷. جوانمرد، بهروز. (۱۳۹۶). جرایم سازمان یافته فراملی. تهران: انتشارات جاودانه و جنگل.
۱۸. حبیب زاده، محمد جعفر. (۱۳۷۰). بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض. تهران: انتشارات کیهان.
۱۹. —. (۱۳۷۹). محاربه در حقوق کیفری ایران. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۰. حبیب زاده، محمد جعفر، مومنی، مهدی. (۱۳۸۹). «جرم تبانی علیه امنیت کشور در حقوق ایران»، مجله مدرس علوم انسانی، دوره ۱۴، شماره ۶۷.
۲۱. خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۰). تحریر الوسيله. ج ۲. قم: دار الکتب العلمیه- مؤسسه اسماعیلیان.
۲۲. دامغانی، حسین بن محمد. (۱۳۶۱). قاموس قرآن در وجوه و لغات مشترک. ترجمه کریم عزیزی نقش. ج ۲. تهران: بنیاد علوم اسلامی، اول.
۲۳. ذاقلی، عباس. (۱۳۹۴). قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین المللی. تهران: نشر میزان.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۲۷). المفردات فی غریب القرآن. قم: مکتبه ذوی القربی.
۲۵. زحیلی، وهبه. (۱۴۱۱). تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج - جزء ۲۶. ج ۲۱. بیروت: دار الفکر المعاصر.
۲۶. زرگوش نسب، عبدالجبار، غیبی، معصومه. «بررسی فقهی جرم سیاسی بغی و نقش توبه در تخفیف مجازات آن»، معرفت سیاسی، بهار و تابستان ۱۳۹۱، سال ۴، شماره ۱.
۲۷. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۳۸۵). الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل. ج ۳ و ۴. قاهره: شرکت مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی و اولاده بمصر.
۲۸. سالارزایی، امیر حمزه. «برداشت دیگر از آیه ۳۳ سوره مائده»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ششم، شماره ۲، ۱۳۸۸ش، تهران: الزهرا.
۲۹. سرخسی، محمد بن احمد. (۱۴۰۶). المبسوط. ج ۹ و ۱۰. بیروت: دار المعرفه للطباعه و النشر و التوزیع.
۳۰. سلیمی، صادق. (۱۳۹۱). جنایات سازمان یافته فراملی. تهران: انتشارات صدا.
۳۱. سیادت، سعیده، بیرعلی، علیرضا. «جرائم سازمان یافته فراملی و نقش اینترنت فراملی در

- مقابله با آن»، مطالعات بین‌المللی پلیس، بهار ۱۳۹۵. سال ۶، شماره ۲۵.
۳۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (بی تا). الدر المثور فی التفسیر بالمأثور. ج ۳. بیروت: دار المعرفه للطباعة و النشر.
۳۳. _____. (۱۴۱۶). الإقتان فی علوم القرآن، ج ۲، لبنان: دار الفکر.
۳۴. شمس ناتری، محمد ابراهیم. «جرائم سازمان یافته»، مجله فقه و حقوق، تابستان ۱۳۸۳، سال ۱.
۳۵. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۱). اللمعة الدمشقیة فی فقه الامامیه. قم: منشورات دار الفکر.
۳۶. شهیدثانی، زین الدین بن علی. (۱۳۸۷). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. ج ۲، ۱۰ و ۹. نجف: منشورات جامعه النجف الدینیة.
۳۷. _____. (۱۴۱۴ق). مسالك الافهام فی شرح شرائع الاسلام. ج ۱۵. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۳۸. طباطبائی، علی. (۱۴۱۵). ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل. ج ۷ و ۱۳. قم: النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۳۹. طباطبائی، محمدحسین. (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۳، ۹ و ۱۵. قم: النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۴۰. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۵). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ج ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۱. طبری، محمد بن جریر. (بی تا). تاریخ الامم و المملوک (تاریخ الطبری). ج ۲. بیروت: اعلمی.
۴۲. طغرانگار، حسن. (۱۳۸۰)، «جرائم سازمان یافته در حقوق جزای ایران و بین الملل»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). الاستبصار فیما اختلف من الاخبار. ج ۴. بی جا: دار الكتاب العلمیه.
۴۴. _____. (۱۴۲۰). الخلاف، ج ۵، بی جا: النشر الاسلامیة لجماعه المدرسین.
۴۵. _____. (۱۳۶۳). المبسوط فی فقه الامامیه. ج ۷. بی جا: المكتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.
۴۶. _____. (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. ج ۱۰. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۴۷. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۶۸). تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین. تهران: انتشارات فقیه.

۴۸. — (۱۴۱۹). تذکره الفقهاء، ج ۹. قم: مؤسسه آل‌البيت لاحیاء التراث.
۴۹. — (۱۴۱۹). قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام. ج ۳. قم: النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۵۰. عوده، عبدالقادر. (۲۰۰۱م). الموسوعة العصرية فی الفقه الجنایي الاسلامي. بی‌جا: دار المشرق.
۵۱. غلامی، علی. «سازمان‌یافتگی جرایم در آیینة فقه»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۳، سال ۴۷، شماره ۱.
۵۲. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۲۲). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله-الحدود. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.
۵۳. فخرالمحققین، محمد بن الحسن. (۱۳۸۹). ایضاح الفوائد. ج ۴. قم: بی‌نا.
۵۴. قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۵۲). قاموس قرآن. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۵۵. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۵). الجامع الأحکام القرآن، ج ۸. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۶. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴). تفسیر القمی. ج ۱. قم: دار الکتاب.
۵۷. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر. (۱۴۲۲). کشف الغطاء عن مبهمات شریعه اغراء. ج ۲ و ۴. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۸. گلدوست جویباری، رجیعی. (۱۳۸۸). جرائم علیه امنیت کشور، تهران: جنگل جاودانه.
۵۹. مجیدی، سید محمود. (۱۳۸۶). جرائم علیه امنیت. تهران: نشر میزان.
۶۰. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۱۲). النهایه و نکته‌ها. ج ۳. قم: النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۶۱. — (۱۴۰۹). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. ج ۴. تهران: نشر استقلال.
۶۲. محمدی گیلانی، محمد. (۱۳۶۱). حقوق کیفری در اسلام. قم: انتشارات المهدی.
۶۳. مرعشی، شهاب‌الدین. (۱۴۲۴). احکام السرقة علی ضوء القرآن و السنه. قم: انتشارات آیت‌الله مرعشی نجفی.
۶۴. — (۱۴۱۵). القصاص علی ضوء القرآن و السنه. ج ۱. بی‌جا: مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۶۵. مرعشی شوشتری، محمدحسن. (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام. تهران: نشر میزان.
۶۶. مرکز تحقیقات فقهی. (بی‌تا). گنجینه آرای فقهی قضایی. بی‌جا: بی‌نا.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی نهم
زمستان ۱۳۹۶

۶۷. معظمی، شهلا، برجسته، مهدی. (۱۳۹۵). جرم سازمان یافته در قلمرو حقوق مالکیت فکری. تهران: انتشارات دادگستر.
۶۸. معظمی، شهلا. (۱۳۸۷). جرم سازمان یافته و راهکارهای مقابله با آن. تهران: انتشارات دادگستر.
۶۹. مغنیه، محمد جواد. (۱۹۸۱). تفسیر الکاشف. ج ۲ و ۴. بیروت: دار العلم للملایین.
۷۰. مفید، محمدین محمد. (۱۴۱۰). المقنعه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
۷۱. مقدس اردبیلی، احمدین محمد. (۱۴۰۹). مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان. ج ۷ و ۱۳ و ۱۴. قم: النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسین.
۷۲. مکارم شیرازی، ناصر. (بی تا). الأمل فی تفسیر کتاب الله المنزل. ج ۸. بی جا: بی نا.
۷۳. میر محمد صادقی، حسین. (۱۳۷۷). حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات). تهران: نشر میزان.
۷۴. موسوی اردبیلی، عبدالکریم. (۱۴۲۹). فقه الحدود و التعزیرات. قم: مؤسسه النشر لجماعة المفید، الثانیه.
۷۵. موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۸۶). فقه تطبیقی بخش جزایی. تهران: انتشارات سمت.
۷۶. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا. (۱۴۱۲). الدر المنضود. ج ۳. قم: دار القرآن الکریم.
۷۷. مؤمن قمی، محمد. «کاوشی در مجازات محارب و مفسد فی الارض»، مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۸۲، سال ۹، شماره ۳۵.
۷۸. ———. (۱۳۸۹). مجازات محارب و مفسد فی الارض. تهران: نشر امیرکبیر.
۷۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حبیب زاده، محمدجعفر، شمس ناتری، محمد ابراهیم. جرم سازمان یافته در جرم شناسی و حقوق جزا، فصل نامه مدرس، ۱۳۷۹، سال ۴، شماره ۴.
۸۰. نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. ج ۲۱، ۴۱ و ۴۲. تهران: دار الکتاب الاسلامیه.
۸۱. نحاس، ابی جعفر. (۱۴۰۹). معانی القرآن. ج ۳ و ۴. بی جا: جامعه ام القری.
۸۲. هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۳۸۵). صحیفه عدالت. ج ۲. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.

83. www. Makaremshirazi. org

84. www. Gorgani. ir



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی